

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی



په اروپا کی دمیشته افغانانو د تولنو فدراسیون

فدراسیون سازمانهای پناهندگان افغان در اروپا

Federation of Afghan Refugee Organizations in Europe

اعلامیه

لیدن، 27 دسمبر ۲۰۰۸

ششم جدی، در رابطه با سیه روزی های دیروز و امروز مردم افغانستان!

سانحه شش جدی بمثابة مرحله تکاملی فاجعه هفت نور، سیاهروز فراموش نشدنی در تاریخ معاصر افغانستان است که وابستگی سیاسی افغانستان را به وابستگی همه جانبه به اتحاد شوروی سابق وسعت داد. فرارسیدن شش جدی برای آنده از مردم افغانستان که شاهد این سیاه روز بوده اند ویا از والدین خود داستان تکاندهنده و غم انگیز آنرا شنیده اند، بیاد آورنام و صدای ببرک کارمل این پیک بی آرم قوای اشغالگر روس است. کارمل بعد از تکیه زدن بر مسند شاه شجاع مسوولیت قتل عام فعالین سیاسی، افراد متنفذ مذهبی واجتماعی وسایر شهروندان افغان طی مرحله نخست فاجعه نور را به حفیظ الله امین و در ضمن امین را به استخبارات امریکا نسبت دادتا روسیاهی این دوران را از چهره حزب خود واتحاد شوروی سابق بزدايد. در حالیکه قصاب شناخته شده اسدالله سروری رییس اگسا همراه با کارمل در رکاب قوای اشغالگر روس داخل افغانستان گردیده در پست معاونت صدراعظم تقریر یافت. در مورد نقش سروری در شکنجه ها کافیسیت به کتاب خاطرات سلطانعلی کشتمند صدراعظم حکومت پوشالی مراجعه کنیم. نقاب عوامفریبی ببرک کارمل مدت کمی بعد از تجاوز نظامی روسها، حین سرکوب خونین تظاهرات ضد روسی منعقدہ سوم حوت ۱۳۵۸ کابل دریده شد وزندان پل چرخ دویاره مملواز وطندوستان افغانستان شد. تعداد زندانیان پل چرخي وسایر زندانهای افغانستان تا زمان تعویض ببرک کارمل با نجیب الله علی الرغم اعدامهای دسته جمعی متواتر و مرگ و میر زندانیان، قوس سعودی را میبیمود. دستگاه جهنمی خاد و مضحکه که بنام "محکمه اختصاصی انقلابی" توسط اشغالگران به تأیید ببرک کارمل خلق شده بود، موازی با چرخش ساعت فعال بوده هر فرد مشکوک به مخالفت با اشغال یا ظرفداری از دموکراسی را چون سایه تعقیب نموده به حبس طویل یا اعدام محکوم میکردند.

کتابهای نوشته شده توسط جنرالهای روسی که جزء قوای اشغالی بودند حاکی از آنست که کارمل منظمأ از آنها میخواست برای "نابودی بیرحمانه ضدانقلاب" عملیات کنند. این جنرالان نوشته اند که ایشان مناطق معین را بار بار بمبارد و از وجود مخالفین تصفیه میکردند ولی کارمل کسی نداشت که حکومت محلی را احیا و منطقه را حفظ کند. به سلسله همین عملیاتهای مکرر بود که حد اقل پنج هزار قریه افغانستان نابود و حد اقل هشت میلیون نفرواداره ترک افغانستان گردیدند. وقتی روسها از تسلط خویش بر افغانستان مأ یوس شدند ملعبه خویش یعنی حزب دموکراتیک خلق

را بر مبنای تعلقات قومی به پارچه‌ها تقسیم نموده به تنظیمهای مختلف فرستادند. مریدان ببرک کارمل که به ایتلاف شمال پیوسته بودند در تسلیمدهی قدرت پیشدستی نموده پلان صلح ملل متحد را ناکام ساختند. این حرکت متعاقباً منتج به تخریب کابل توسط تنظیمها و ظهور طالبان گردید.

کودتای ننگین هفت ثور، اشغال افغانستان توسط روسها و حکومت پوشالی کارمل-نجیب که بدست اشغالگران ایجاد شد، زمینه ساز وسعتیابی مداخلات سایرکشورهای همسایه و نوگرایی توسط آنها در کشور ما گردیده افغانستان را بمیدان جنگ بین کمونیزم و کاپیتالیزم تبدیل نموده سبب رشد بیسابقه اخوانیت مسلح بمثابه ابزار سیاست خارجی هژمونستی پاکستان در منطقه گردید. بنابراین حزب دموکراتیک خلق ورژیم تحت رهبری آن، زمینه ساز وضع ناهنجار سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و بشری کنونی کشور ما نیز میباشند. اگرچون قدرت و روس پرستی افراطی رهبران حزب دموکراتیک خلق بخصوص ببرک کارمل نمیبود، ثبات سیاسی کشور ما از بین نمیرفت و افغانستان بمیدان همه جنگ های قدرتهای بزرگ و هژمونستهای منطقه تبدیل نمیشد.

"کمیته حقوق بشر فارو"

, faroe_af@hotmail.com www.afghandiaspora.org FAROE, Post Box 707, 2300 AS, Leiden,